گسترش ارتباط در اقتصاد و فناوری، آری

مهدویان، مهدی

کشورهای شرق ویژگی‏های همگونی ندارند که بتوان در سیاست‏های پر اصطکاک با غرب از آن بهره برد گسترش ارتباط در اقتصاد و فناوری،آری‏ توهم در دیپلماسی و روابط خارجی،نه‏ هادی مهدویان

آنچه که در روابط خارجی کشور از آن به عنوان«نگاه‏ به شرق»یاد می‏شود واجد یک تعریف روشن و یک‏ موجودیت واحد نیست.تا قبل از سقوط اتحاد شوروی‏ سابق این شرق معنا و مفهوم دیگری داشت.پس از سقوط شوروی سابق گفت و گو از شرق بیشتر به سیاست‏های‏ نزدیکی به چین معنا می‏شد.اما این روزها وقتی از نگاه‏ به شرق صحبت می‏شود منظور از آن کشورها و عناصری است که یک موجودیت واحد را تشکیل‏ نمی‏دهند و بعضا نا همسانی‏های این گروه از کشورها از همسانی‏هایشان بیشتر است.

به نظر می‏رسد وقتی از«نگاه به شرق»صحب می‏شود، طیف وسیعی از کشورها از روسیه و چین و هند،تا ژاپن‏ و پاکستان و کره جنوبی مورد نظر باشد.شاید بتوان گفت‏ که وجه مشترک این کشورها در سیاست«نگاه به شرق» جغرافیای شرق این کشورها نسبت به ایران باشد.شرق‏ در این مفهوم جدید از عناصر و کشورهایی تشکیل شده‏ که اگر چه هر یک دارای ظرفیت‏ها و پتانسیل‏های خاصی‏ از نظر اقتصادی،تجاری و مالی هستند،اما به هیچ وجه‏ دارای ویژگی‏ها و کیفیت‏های یکسان و همگونی نیستند که بتوان در سیاست‏های پر اصطکاک با غرب از آن بهره‏ برد.

روابط اقتصادی و تجاری ایران با کشورهای شرق یا آسیای شرقی طی سال‏های اخیر گسترش فراوانی یافته‏ است و ایران به نحو مطلوبی از امکانات این گروه از کشورها در زمینه‏های تکنولوژی،بازار،فاینانس و سرمایه استفاده کرده است.شاید بتوان ادعا کرد که نفت‏ در گسترش این روابط نقش بر جسته‏ای داشته است. همچنان که می‏توان انتظار داشت در آینده نیز گاز نقش‏ مکمل عمده‏ای در گسترش این روابط ایفا کند.به طور یقین ظرفیت گسترش روابط در حوزه‏های تجاری،مالی‏ و فناوری بسیار وسیع است،اما نباید در حوزه دیپلماسی‏ و روابط و سیاست خارجی با این کشورها دچار توهم‏ شد.

ایران در عرصه اقتصادی و مالی جهان همواره جایگاه‏ ویژه‏ای داشته است.یکی از ویژگی‏های مالی و پولی‏ ایران در سطح جهان آن است که همیشه به صورت‏ خالص یک کشور بستانکار تلقی شده است.به عبارت‏ دیگر به لحاظ برخورداری کشور از منابع و درآمدهای‏ نفتی قابل توجه،دارایی‏های مالی خارجی کشور با فاصله‏ و به درجات از بدهی‏های خارجی بیشتر بوده است. کشوری را که چنین وضعیتی دارد اصطلاحا «نت کردیتور»می‏نامند.وضعیت خالص بستانکاری‏ کشور طی دهه اخیر تقویت شده است.گر چه این‏ وضعیت در مقطع‏های مهمی قدرت و ظرفیت کشور را برای ایستادگی و مقابله با تهدیدها و تحریم‏های اقتصادی‏ افزایش داده است،اما نباید فراموش کرد که حالت خالص‏ بستانکاری موجب آسیب پذیری‏های خاص کشور شده است؛آسیب‏هایی که اغلب درباره آن غفلت‏ می‏شود.

اما بحث اساسی و عمده در سیاست«نگاه به شرق»آن‏ است که چنین ظرفیت و پتانسیلی در کشورهای شرقی‏ برای جذب پس انداز منابع مالی خارجی کشور وجود ندارد.

در یک جمع بندی باید گفت که سیاست«نگاه به شرق» به لحاظ اقتصادی و مالییک فرصت است،به شرط آنکه با ارزیابی و شناخت دقیق از توانایی‏ها و ظرفیت‏ها صورت بگیرد.با تحقق چنین پیش فرضی نگاه به شرق‏ قطعا مثبت خواهد بود.اما اگر ما دچار توهم شویم یا توقعات بیش از حد داشته باشیم،ممکن است دچار مشکل شویم.این گرفتاری‏ها یک بار در مذاکره با اروپایی‏ها تجربه شد.مسئولین و دیپلمات‏های وزارت‏ امور خارجه سال‏های متمادی با اروپایی‏ها درگیر مذاکراتی بودند که گاه از آن به عنوان گفت و گوی‏ انتقادی،گاه گفتگوی سازنده و در سال‏های اخیر به‏ عنوان گفت گوهای جامع،یاد می‏شد.اما سرانجام این‏ گفت گوها به نقطه‏ای رسید که شاید از ابتدا دور از انتظار نبود.شرق یا کشورهایی که در سیاست«نگاه به شرق» از آنها یاد می‏شود در عرصه روابط و معادلات بین الملل‏ از توان و ظرفیت‏هایی بیش از اروپا برخوردار نیستند. شرق به عنوان یک شریک و طرف تجاری عمده می‏تواند در آینده روابط اقتصادی کشور جایگاه ویژه‏ای داشته‏ باشد و افق گسترده‏ای را مقابل ما بگشاید،اما در عرصه‏ روابط بین الملل و معادلات سیاسی شاید نتواند به حل‏ مشکلات روابط خارجی کشور کمک قابل توجهی کند.

در موضوع انتقال محور مذاکرات و ارتباطات عمده‏ کشور نیز نباید فراموش کرد که بخشی از تحولات ناشی‏ از نوعی نگرش انفعالی ما نسبت به شرایط جدید جهانی‏ است.در شرایط جدید جهانی ابزار تحریم اقتصادی‏ آمریکا،هم در عرصه تجارت و هم در عرصه‏های مالی‏ و دیپلماسی،ابزاری بسیار قوی است.آمریکا از نظر اقتصادی،نظامی و دیپلماسی جایگاه ویژه‏ای در جهان‏ به خود اختصاص داده است.به همین دلیل وقتی کشوری‏ در فهرست تحریم‏های سنگین ایالات متحده قرار می‏گیرد و آمریکا سیاست انزوای آن کشور را هدف‏ سیاست خارجی خود قرار می‏دهد،سیاست کشور مورد نظر بیشتر حالت انفعالی به خود می‏گیرد.در واقع دیگر نمی‏توان سیاست‏های کشور هدف را محصول طراحی‏ خود پوی داخلی ارزیابی کرد.به بیان صریح‏تر اهرم‏ تحریم و منزوی انزوا در سیاست خارجی آمریکا با قدرت و قوت عمل می‏کند و بدون تردید این گونه‏ تحریم‏ها اثر گذار هستند؛به خصوص در مورد کشوری‏ مانند ایران که در دو سه دهه در صدر لیست تحریم‏ها قرار داشته است.

این سخن درستی است که ارزیابی ما از توان تحریم و انزوا دقیق نبوده است.حال که از سیاست آمریکا در قبال‏ ایران با خبریم باید سیاستی را در پیش بگیریم که احتمال‏ زیان آن کمتر است.نقطه آغاز این روش می‏تواند متانت‏ و آرامش بیشتر در پیشبرد سیاست‏های مان باشد.باید در این اندیشه باشیم که چگونه از فهرستی که بیش از دو دهه است در صدر آن هستیم،خارج شویم؛دست کم‏ کشور نخست در این فهرست نباشیم.